

رحم استاد یعنی چه؛ ضرورت وجود استاد در حرکت انسانی ما چیست؟

بررسی ضرورت وجود استاد و نقش رحم استاد در پیشرفت‌های روحی و معنوی

«حتماً مربی بگیر!»

«با کسی که قبلاً این راه را رفته، مشورت کن!»

همه این جملات را از زبان افراد دلسوز زندگی‌مان وقتی می‌خواهیم ورزش، هنر یا مهارتی را به‌طور حرفه‌ای و از اصول و پایه یاد بگیریم، شنیده‌ایم. همه می‌دانیم که این توصیه کاملاً درست و عقلانی است و بهره‌گیری از محضر استاد کمک شایانی به پیشرفت افراد می‌کند؛ به عنوان مثال، کسی که به تنهایی می‌خواهد خطاطی را یاد بگیرد، در مقایسه با کسی که تحت نظر یک مربی حاذق در حال آموختن است، باید زمان طولانی‌تر و سختی‌های بیشتری را برای تسلط به این هنر متحمل شود؛ درحالی‌که تحت نظر مربی، در زمان کوتاه‌تری به این مهارت می‌رسد. این نشان‌دهنده ضرورت وجود استاد برای طی کردن مراحل رشد و پیشرفت است.

البته ضرورت وجود استاد صرفاً مختص پیشرفت در مسائل مادی نیست، بلکه در نظام [متافیزیکی](#) و پیشرفت‌های روحی و معنوی نیز این ضرورت کاملاً حس می‌شود و اتفاقاً اهمیت داشتن استاد در این موضوعات بسیار بیشتر از مسائل مادی است؛ زیرا این موضوعات مستقیماً با ابدیت ما سر و کار دارند و ابدیت اصلاً شوخی‌بردار نیست! شناختن کمالات انسانی و حرکت سالم به سمت ابدیت، بدون داشتن استاد خبره و کاربلد، اگر نگوییم غیرممکن اما دست‌کم بسیار دشوار است.

ما برای حرکت‌ها و جهش‌های بزرگ معنوی به استادی متخصص و صاحب‌نفس احتیاج داریم که از پیچ‌وخم‌های مسیر سلوک به سمت خدا آگاه بوده و ما را نیز از پستی‌ها و بلندی‌های مسیر آگاه کند، تا با

چشمی باز قدم در راه بگذاریم و در کوتاه‌ترین زمان به هدف خلقت‌مان برسیم. حافظ شیرازی که خودش از عارفان و سالکان راه خدا بوده و سختی‌های این مسیر را چشیده، ضرورت وجود استاد و خطرات عدم بهره‌گیری از محضر او را این‌گونه بیان می‌کند:

طی این مرحله بی‌همرهی خضر مکن ظلمات است، بترس از خطر گمراهی

اینکه وجود استاد یا مربی چگونه می‌تواند در شبیه شدن ما به الله مؤثر باشد و نفس ما چگونه در رحم استاد، سرعت و قدرت می‌گیرد و از این‌ها مهم‌تر اینکه چه کسانی چنین قابلیت را دارند، از مواردی است که در این مقاله به آن خواهیم پرداخت.

ضرورت وجود استاد با بررسی ویژگی‌های رحم

در درس گذشته گفتیم که کار رحم کامل کردن است. رحم یک موجود بالقوه را در اوج ضعف تحویل می‌گیرد، استعدادهایش را به فعلیت و شکوفایی می‌رساند و سپس تحویل فضای بعدی می‌دهد؛ در واقع برتری اصلی رحم نسبت به فضای اطرافش همین است. نطفه انسان اگر ده‌ها سال در فضای دنیا بماند، هیچ‌گاه تبدیل به نوزاد نمی‌شود؛ درحالی‌که همین نطفه به محض ورود به رحم مادر، شروع به رشد می‌کند و قابلیت‌هایش که با ماندن در فضای دنیا هرگز نمی‌توانست به آن‌ها برسد، شکوفا می‌شود.

همین رابطه بین دنیا و آخرت نیز برقرار است. خاصیت رحمی آخرت بسیار بسیار ضعیف‌تر از دنیا است؛ اگر ما صدها سال هم در فضای آخرت و برزخ بمانیم، باز هم نمی‌توانیم استعدادهای روحی و قابلیت‌هایی که خداوند در وجودمان به ودیعه نهاده، شکوفا کنیم؛ علاوه بر این، نقص‌های مان را هم نمی‌توانیم به راحتی برطرف کنیم. پس تنها فرصت ما برای برطرف کردن نقص‌های اخلاقی و شکوفا کردن استعدادهای روحی همین چند صباح دنیا است. خداوند با آگاهی از این موضوع در ساختار رحم دنیا، رحم‌های دیگری نیز قرار

داده که در کنار افزایش سرعت تکامل، عقب‌ماندگی‌ها و ضعف‌های ما را نیز جبران می‌کنند. یکی از این رحم‌ها، رحم استاد است.

رحم استاد چیست؟

همان‌طور که در ابتدای این نوشتار به ضرورت وجود استاد اشاره کردیم، ما برای موفقیت در زندگی، هم در بعد جسمانی و هم در بعد روحانی، نیاز به استاد داریم. داشتن استاد و مربی خوب می‌تواند سال‌ها عقب‌ماندگی ما را در مدتی کوتاه، جبران کند و ما را از پایین‌ترین درجات جهنم، به عالی‌ترین درجات بهشت برساند. انسان مؤمن در مسیر حرکت به سمت ابدیت، هیچ کاری را ناآگاهانه و بدون تخصص انجام نمی‌دهد؛ بلکه با مطالعات تخصصی و استفاده از آموزه‌های اساتید و مربیانی که بر ساختار نفس و قواعد حاکم بر آن تسلط کامل دارند، ابتدا فرمول‌های سرعت و قدرت در نفس را یاد می‌گیرد.

بدون یادگیری این فرمول‌ها تقریباً همه تلاش‌های ما در مسیر تقرب به خدا بی‌فایده و چه بسا مضر است؛ به‌طور مثال، اگر ما با ساختار ریاضی نفس آشنا نباشیم، نمی‌توانیم حمله‌ی سمت راست شیطان را تشخیص دهیم و همین سبب می‌شود عبادت‌های ما به جای آنکه وسیله‌ای برای تقرب به خدا باشند، به ابزاری در دست شیطان تبدیل شوند و با ایجاد غرور کاذب ما را از خدا دور و دورتر کنند.

بسیارند کسانی که همه عمر عبادت خدا را می‌کنند، اما اخلاق‌شان ذره‌ای بهتر نمی‌شود و همچنان عصبانی، پرخاشگر، کینه‌ای، حسود و آلوده به انواع رذیلت‌های اخلاقی هستند؛ چون استادی ندارند که قواعد حاکم بر نفس و خطرات مسیر سلوک را یادشان دهد. در مقابل هستند آدم‌های فاسد و تبهکاری که با قرار گرفتن در رحم یک استاد خبره و آگاه، در مدتی کوتاه آن‌چنان رشد می‌کنند که یکی از اولیای خدا می‌شوند. هر چقدر استاد قوی‌تر باشد، سریع‌تر ما را به مقصد می‌رساند. در این خصوص، استادی که بتواند قلب ما را سازماندهی کند، یک رحم بسیار قدرتمند است؛ زیرا زمانی که ما با قلب و روحمان، به سمت خدا حرکت

می‌کنیم، نفس‌مان سرعت و قدرت بیشتری می‌گیرد، تا اینکه صرفاً بدن‌مان را با انواع عبادت‌ها و ریاضت‌ها به زحمت اندازیم.^۱

اکنون که ضرورت وجود استاد و قدرت رحمی او برای‌مان روشن شد، باید ببینیم بهترین اساتید و مربیان که در حرکت انسانی ما به سمت ابدیت، موجب رشد و قدرت باطنی ما می‌شوند، چه کسانی هستند؟ روشن است که بهترین اساتید کسانی هستند که علاوه بر تشبه به خداوند، از قوانین جهان خلقت و ساختار نفس انسان نیز به‌خوبی آگاه بوده و از جانب خود خدا به این مأموریت منصوب شده باشند؛ در نتیجه به جز معصومین (علیه‌السلام) در درجهٔ اول و شاگردان مکتب ایشان در درجهٔ دوم، شخص دیگری شایستگی این مقام را ندارد.

شخصیت معصومین (علیه‌السلام) و رحم وجودی ایشان و هم‌چنین رحم وجودی اولیای الهی، کوتاه‌ترین میان‌بر در مسیر سلوک است. اگر کسی خودش را برای تربیت به دست آن‌ها بسپارد و فرمان‌شان را اطاعت کند، ره صد ساله را یک شبه طی می‌کند و در مدت کوتاهی به بالاترین مراتب کمال می‌رسد.

در این مقاله دربارهٔ ضرورت وجود استاد و قدرت او در رشد معنوی انسان صحبت کردیم و گفتیم که رحم استاد یک راه میان‌بر برای خودسازی و رسیدن به کمال است. ما با قرار گرفتن در رحم یک استاد خبره و آگاه، می‌توانیم عقب‌گردها و اشتباهات گذشتهٔ خود را جبران کنیم و در مسیر حرکت به سوی هدف خلقت سرعت و قدرت فزاینده‌ای بگیریم.

شما در مسیر سیر و سلوک و رشد انسانی خود چه راه‌هایی را امتحان کرده‌اید؟ آیا استادی در این زمینه دارید؟ خوشحال می‌شویم که تجربیات خود را در این باره با ما در میان بگذارید.

۱ «الْقَصْدُ إِلَى اللَّهِ بِالْقُلُوبِ أَيْلُغُ مِنْ إِتْعَابِ الْجَوَارِحِ بِالْأَعْمَالِ؛ الدِّرَّةُ الْبَاهِرَةُ مِنَ الْأَصْدَافِ الظَّاهِرَةِ، ج ۱، ص ۳۹